



4

Vol. 3
Summer 2023

Research Paper

Received:
06 December 2023
Revised:
21 February 2023
Accepted:
27 February 2023
Published:
20 March 2023
P.P: 43-62

ISSN: 2717-3674
E-ISSN: 2717-3666



The application of futures research in the development sociology

Ali Akbar Valadbeigi*¹ | Gholam Reza Behroozi Lak²

Abstract

Objective: Utilizing the capabilities of development sociology and future research together helps to evaluate the results of political, social and other measures in practice. This research aims to show the common capabilities and capacities of development sociology and future research as a science and tool, in such a way that it is possible to find Common routes alignments between the two. To check this alignment, the model of correlation of sciences has been used. According to the findings of this research, the background of sociology of development has grown and evolved in its own way, but it has not been logically connected with future studies. But in connection with it, with future research, from the views of; Traditional to forecasting, exploratory or based on imaging and future-making, whether based on a prescriptive or retrospective approach, by describing the factors of social phenomena in relation to past trends, makes future behaviors more predictable. The present research has tried, by looking at the background of the sociology of development, before the discussions of future studies. To investigate the application of exploratory future research, imaging future research and prescriptive future research in the sociology of development, to reach the desired situation.

Keywords: futures research, development sociology, futures research methods.

1. Corresponding Author: Student of Bagher al uloom (pb) Univercity, Qom, Iran.
valadbig@yahoo.com
2. Professor of political studies department, Bagher al uloom (pb) Univercity, Qom, Iran.

Cite this Paper: Akbar Valadbeigi, A & Behroozi Lak, Gh.R . (2023). The application of futures research in the development sociology. *Crisis Management and Emergency Situations*, 4(3), 43–62. DOR: DoR:
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1401.3.4.2.6>

Publisher: Imam Hussein University


Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



کاربرد آینده پژوهی در جامعه‌شناسی توسعه

علی اکبر ولدبیگی^۱ | غلامرضا بهروزی لک^۲ 

دوره سوم
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹
صص: ۴۳-۶۲

شابا چاپی: ۳۶۷۴-۲۷۱۷
الکترونیکی: ۳۶۶۶-۲۷۱۷



valadbig@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران.

۲. استاد گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران.

استناد: ولدبیگی، علی اکبر و بهروزی لک، غلامرضا (۱۴۰۱)، کاربرد آینده پژوهی در جامعه‌شناسی توسعه، نشریه علمی آینده

پژوهی انقلاب اسلامی، (۳)۴، ۶۲-۴۳. DoR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1401.3.4.2.6>

نویسندگان



ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

پیشرفت جامعه‌نیازمند استفاده از علم و ابزار به‌عنوان شناخت پیشران‌ها و حل موانع در گذشته، حال و آینده است. همچنین تحقق وضعیت مطلوب، با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها امکان بیشتری دارد. اما تحقیقات آینده‌پژوهی به‌صورت جزیره‌ای هستند، محققان و متخصصان در زمینه‌های مختلفی مشغول پژوهش بوده‌اند، اما این تحقیقات در شاخه‌های مختلفی به شکل معناداری با هم فرق می‌کنند. (حیدری، ۱۳۹۷) بنابراین آینده‌پژوهی یک تئوری جامع ندارد. همچنین آینده‌پژوهان، اغلب متخصصان حوزه‌های خاص هستند. از طرفی تحقیقات جامعه‌شناسان، در پیدا کردن علت و عوامل پدیده‌های اجتماعی که در آینده جوامع، تأثیرگذار بوده است، نقش مهمی داشته‌اند. دستیابی به وضعیت مطلوب همیشه خواست جامعه‌شناسان نیز بوده است. در این تحقیق فرض بر این است، آینده‌پژوهی در جامعه‌شناسی توسعه کاربرد دارد. به نظر می‌رسد، با توجه به همسویی این دو ظرفیت، در چارچوب ترابط، همکاری آن‌ها در دستیابی به وضع مطلوب بهتر محقق شود. برای پاسخ به این مسئله که کاربرد آینده‌پژوهی در جامعه‌شناسی توسعه به چه صورت است؟ با طرح مفاهیم پژوهش و پرداختن به جامعه‌شناسی توسعه قبل از بحث‌های آینده‌پژوهی، کاربرد روش‌های آینده‌پژوهی اکتشافی، آینده‌پژوهی تصویرپرداز و آینده‌پژوهی تجویزی در جامعه‌شناسی توسعه، توضیح داده می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

۱. آینده‌پژوهی

می‌توان گفت، آینده‌پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است و آینده‌پژوهی دانشی است که به انسان می‌آموزد چگونه آینده‌ای مطلوب برای سازمان و یا جامعه خود ترسیم کند. (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۵) آینده‌پژوهی می‌آموزد چگونه با آینده‌ای مبهم مواجه شد و در این مواجهه، دستخوش کم‌ترین دشواری شده و بیش‌ترین منافع را به دست آورد. تعریف عملیاتی‌تر از آینده‌پژوهی

عبارت است از: مطالعه درباره آینده‌های گوناگون (ممکن، باورپذیر، محتمل و مطلوب) به گونه اکتشافی و هنجاری یا تجویزی که اغلب در افق زمانی میان مدت (حدود ۱۰ تا ۲۰ سال) و یا بلندمدت (حدود ۲۰ تا ۵۰ سال) واقع خواهند شد.

۲. جامعه‌شناسی توسعه

از نگاه جامعه‌شناسی توسعه، توسعه به معنی عبور جامعه از ساختارهای سنتی به سمت اشکال جدید زندگی است و جامعه‌شناسی توسعه در صدد بررسی این تغییرات و الگوهای حاکم بر آن است. یکی از پیامدهای مهم صنعتی شدن تعارضات و تناقضاتی است که مطالعه و تحقیق پیرامون آن از وظایف جامعه‌شناسی توسعه است.

جامعه‌شناسان توسعه معتقدند ارتقا سطح زندگی با نظام ارزشی جامعه در ارتباط است و هر جامعه‌ای از ارتقا سطح زندگی برداشت خاصی دارد و به یک اندازه به آن اهمیت نمی‌دهند.

• جامعه‌شناسی توسعه پیش از بحث‌های آینده‌پژوهی

جامعه‌شناسی توسعه کمک می‌کند، از دیدگاه‌های مختلف به دنیای اجتماعی بنگریم. زیرا در اغلب موارد اگر درک درستی از چگونگی زندگی دیگران داشته باشیم، به فهم بهتری از چستی مسائل آن‌ها می‌رسیم. دوم، به ارزیابی نتایج اقدامات سیاسی و اجتماعی در عمل کمک می‌کند. زیرا هر برنامه‌ای ممکن است، نتواند به آنچه طراحان آن در نظر داشته‌اند، برسد. دیگر اینکه، با فهم بهتر چرایی عملکردهای جامعه می‌توانیم بر آینده خود تأثیر بگذاریم. (گیدنز، ۱۳۹۶)

جامعه‌شناسان کلاسیک، توسعه اجتماعی را در قالب نظریه‌های کلان دگرگونی اجتماعی مورد توجه قرار داده و به دنبال پاسخ به این پرسش بودند که یک جامعه چگونه دچار دگرگونی‌ها و تغییرات گسترده می‌شود و این تغییرات چه تأثیر مثبت و منفی برای جوامع خواهد داشت. آن‌ها دل‌مشغول رویدادهایی بودند که با انقلاب‌های صنعتی همراه بود. می‌کوشیدند هم پیدایش و هم نتایج و پیامدهای بالقوه آن‌ها را درک کنند. (ریترز، ۱۳۹۴)

با نگاهی به نظریه تکامل‌گرایی میزان توجه جامعه‌شناسی توسعه به آینده را می‌توان سنجید، جامعه‌شناسی توسعه، از تئوری تکامل‌گرایی بهره گرفت؛ زیرا نظریه تکامل‌گرایی توانسته بود گذار اروپا غربی از جامعه سنتی به جامعه نو را در قرن نوزدهم تبیین کند. این نظریه در شکل‌گیری مکتب نوسازی نقش و تأثیر بسزایی داشت و محصول اندیشه اوایل قرن نوزدهم و دوران پس از انقلاب صنعتی در اروپا است. (ی. سو، ۱۳۸۰) اما مکتب نوسازی مبتنی بر فرهنگ خاص خود است و با فرهنگ همه جوامع ممکن است، سازگار نباشد.

برای بررسی چشم‌اندازهای توسعه، جامعه‌شناسان توجه خود را بر دگرگونی متغیرهای الگویی و تمایز ساختاری متمرکز ساخته و اندیشمندان علم سیاست نیز بر ضرورت بالابردن ظرفیت نظام سیاسی تأکید می‌ورزند. اولین دسته از فرضیات پژوهشگران نوسازی، مفاهیم خاصی است که آنان از نظریه تکامل‌گرایی اروپایی اقتباس کرده‌اند. طبق نظریه تکامل‌گرایی تغییر اجتماعی یک فرایند تک‌خطی، رو به پیشرفت و تدریجی است که جوامع بشری را به طور بازگشت‌ناپذیری از یک مرحله ابتدایی به یک مرحله پیشرفته سوق داده و در مسیر حرکت به سمت تکامل، جوامع را هرچه بیشتر به هم شبیه می‌سازد. (ی. سو، ۱۳۸۰)

برخی محققان مانند "مک کلند" بر همبستگی قوی میان انگیزه پیشرفت و توسعه اقتصادی تأکید می‌ورزند، "بلا" به ارزیابی نقش مذهب "توگواوا" به توسعه اقتصادی ژاپن می‌پردازد، "لیپست" توجه خود را بر نقش احتمالی توسعه اقتصادی در پیشرفت دموکراسی در کشورهای جهان سوم متمرکز ساخته است و "اینکلس" به بحث در مورد پیامدهای فرایند نوسازی بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد می‌پردازد. فرض همه این‌ها بر تزریق ارزش‌های معطوف به غرب به کشورهای جهان سوم است. (ی. سو، ۱۳۸۰) البته اشاره خواهد کرد، چگونه این نظریه به بن‌بست رسیده است.

بنابراین، جامعه‌شناسی توسعه، معطوف بر دگرگونی‌های بزرگی بود، این تغییرات، ریشه در تحولات قرن ۱۶ تا ۱۹ در اروپای غربی داشت. در خصوص ماهیت این دگرگونی‌ها، چگونگی تحقق و پیامدهای آن اختلاف نظرهای جدی شکل گرفت. فهم این مسأله دانشی را به نام جامعه‌شناسی توسعه پایه‌گذاری کرد که در برگیرنده جریان‌ات نظری مختلف اعم از چپ و لیبرالیستی و ناسیونالیستی بود.

تا جنگ جهانی دوم جامعه‌شناسی توسعه عمدتاً به مسائل جوامع صنعتی توجه داشت و کمتر به مشکلات کشورهای جهان سوم می‌پرداخت با ورود به دهه ۱۹۵۰م شاهد تمرکز جامعه‌شناسی توسعه به مسئله جهان سوم هستیم. با ورود به بحث توسعه و توسعه‌نیافتگی، توسعه‌نیافتگی را معلول دو جنبه داخلی؛ موانع را درونی می‌داند و پیشرفت و تکامل را محصول ایجاد تغییرات از داخل می‌داند و جنبه بین‌المللی؛ بر جنبه‌های تاریخی وضع کنونی تأکید دارد و توسعه‌نیافتگی جهان سوم را محصول توسعه جهان غرب می‌داند. به عبارت دیگر جنبه اول در قالب مکتب نوسازی و جنبه دوم مبتنی بر مکتب وابستگی و دیدگاه‌های چپ است.

اما این دو مکتب با بن‌بست‌های جدی روبرو بوده و نتوانسته‌اند پیشرفت جوامع به‌سوی آینده را به‌خوبی ترسیم کنند. همان‌طور که گذشت، از نگاه جامعه‌شناسان نوسازی توسعه به‌عنوان یک ایدئولوژی و یک چشم‌انداز اجتماعی، ریشه در آرمان‌های نوسازی دارد که کشورهای جهان را به پیروی از مدل اقتصاد و جامعه غربی تشویق می‌کند و عناصر مکتب غرب‌گرایانه توسعه همیشه ناعادلانه بوده و هرگز کارکرد درستی نداشته و در این زمینه شکست‌خورده است و به باور ولفگانگ ساکس^۱ ایده توسعه در این قالب‌ها پویایی نداشته و بی‌مصرف شده و درجا می‌زند.

بنابراین، جامعه‌شناسی توسعه در مواجهه با کشورهای صنعتی و نیز جهان سوم در تحقیقات خود بیشتر درگیر یک سیکل ثابت در چگونگی گذار جوامع سنتی به صنعتی بود و به‌صورت جدی با آینده‌پژوهی پیوند نخورده بود.

از طرفی در غرب و در مدرنیته پیش‌بینی‌هایی که به‌عنوان شاخص‌های اعتبار دانش در نظر گرفته می‌شد، اغلب گمراه‌کننده بوده است. زیرا پیش‌بینی‌ها مشروط به شرایط هستند، شرایط ممکن است تغییر کند، پیش‌بینی هم محقق نشود. علاوه بر این، وجود خود پیش‌بینی ممکن است در نقش خود تغییر گر، ظاهر شود، به تغییر شرایط کمک کند، یعنی اگر شرایط یکسان باقی می‌ماند، پیش‌بینی به حقیقت می‌پیوست، بنابراین تصمیم‌گیرندگان باید عواقب تغییرات و اقدامات مداوم را قبل از تصمیم‌گیری و نه بعد از آن بدانند. (Wenbell, 1997)

اگرچه رویه‌های روش‌شناختی آینده‌نگر توسعه یافته‌اند، اما هنوز هیچ نظریه‌ای درباره دانش مورد توافق عمومی برای مطالعات آینده وجود ندارد. با این حال همه آینده‌پژوهان معاصر در غرب،

1. wolfgang sachs

عمدتاً تحت تأثیر دو مورد اساساً متناقض، پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم، قرار گرفته‌اند، تعداد قابل توجهی از آینده‌پژوهان پیش‌گام در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن با روش پوزیتیویستی آموزش دیده‌اند. آنها از جمله بر ساختار منطقی گزاره‌های رابطه‌ای، تجربه‌گرایی و آزمون‌پذیری و غیره متمرکز هستند. پساپوزیتیویست‌ها در اوایل دهه ۱۹۶۰، با شورش علیه پوزیتیویسم، باورهای اصلی پوزیتیویست را زیر سؤال بردند، آن‌ها به ایده‌های پوزیتیویستی نظریه‌های علمی و نظریه‌هایی که به دلیل آزمون تجربی انتخاب شده بودند، حمله کردند. (Wenbell, 1997)

به نظر ونبل، از آنجا که پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم در نهایت فلسفه‌های نادرستی هستند که پایه کمی برای دانش فراهم می‌کنند، بسیار کمتر مبنایی برای حوزه آینده‌پژوهی، هستند. هرچند بعداً واقع‌گرایان انتقادی بر آن شدند، نه تنها دانش حدسی، ممکن است، بلکه چنین دانشی را می‌توان فراتر از شک معقول به حساب آورد. "وندل بل و اولیک" در راستای نگاه انتقادی به مدرنیته، مفهوم "دانش جایگزین" را پیشنهاد می‌کنند. به نظر آنها نظرها صرفاً اظهاراتی در مورد آینده هستند که ما آنها را درست می‌دانیم، اگرچه نمی‌دانیم، آنها درست هستند یا نه؟ جانشین‌های دانش، به منظور کشف احتمالات جایگزین برای آینده، از جمله موارد غیرمحمول، آن دسته از قضایایی هستند که ما آنها را به عنوان دانش حدسی می‌پذیریم، زیرا زمینه‌های باور به آنها را در معرض تحلیل انتقادی قرار داده‌ایم و ابطال‌ناپذیر می‌مانند. (Wenbell, 1997)

پژوهش درباره آینده‌های ممکن و محتمل و مطلوب، چشم‌اندازهای مفهومی و ابزارهای روش‌شناختی جدیدی را می‌طلبد. اگر جامعه‌شناسی بنا دارد دخالت بیشتری داشته باشد، نیازمند درپیش گرفتن جهت‌گیری آینده‌مدار تر و با تصورات گوناگونی که کنش‌گران اجتماعی مختلف، از آینده دارند درگیر شود نه اینکه تحت سیطره تک‌خطی، خود را محبوس کند. (شولز، ۲۰۱۵)

از طرفی میان جامعه‌شناسی توسعه و آینده‌پژوهی، نوعی هم‌سویی وجود دارد، و ارتباط آن‌ها باهم موجب تکامل آن‌ها می‌شود. زیرا هر دو با جامعه سروکار دارند هر دو از علوم بین‌رشته‌ای هستند و در کنار هم ثمره بیشتری می‌توانند برای جامعه در رسیدن به آینده مطلوب داشته باشند و هر دو با هم برای رسیدن به این هدف که همان وضع مطلوب است، تلاش بهتری خواهند داشت.

بنابراین جامعه‌شناسی توسعه و آینده‌پژوهی هر دو قادر هستند برای رساندن افراد و جامعه به وضع مطلوب، با یکدیگر در ارتباط باشند. آینده‌پژوهی به اکتشاف و تصویرپردازی و تجویز آینده پردازد و جامعه‌شناسی با کشف معناهای نهفته در پس کنش‌ها به علت‌یابی رفتارها پردازد. زیرا پیدا کردن همین معناها و علت و عوامل رفتارها و پدیده‌های اجتماعی به همراه آینده‌مداری، کمک می‌کند تا جامعه به مسیر درست برای هدف موردنظر ادامه دهد.

• کاربرد آینده‌پژوهی اکتشافی در جامعه‌شناسی توسعه

یکی از رویکردهای مهم آینده‌پژوهی رویکرد آینده‌پژوهی اکتشافی است، دو نگاه در ارتباط با آینده‌پژوهی اکتشافی وجود دارد، یکی اینکه این دیدگاه، معمولاً بر اساس **نگاه سنتی به پیش‌بینی** است. آینده نتیجه علت و معلولی گذشته است و نوعی جبرگرایی^۱ در آن پنهان است؛ بنابراین تاریخ، طبق قانونی ثابت، حال را به آینده مبدل می‌سازد. پس کشف آینده موردنظر و نیز تطبیق خود با آن، مورد توجه است. (ناظمی‌اشنی و قدیری، ۱۳۸۵)

اما دیدگاه دیگر مخالف این است که در آینده‌پژوهی اکتشافی، نوعی جبرگرایی باشد، زیرا انسان موجودی مختار است و آینده انعکاسی از رفتار او در زمان حال به حساب می‌آید و تأثیر رفتارهای فرد و اجتماع در شکل‌گیری آینده غیرقابل انکار است.

سؤال اساسی برای اکتشاف آینده این است که آینده چه وضعیتی دارد و جامعه‌شناس توسعه چگونه مسیر وفق دادن جامعه با آن را بررسی می‌کند؟ پاسخ این است جامعه‌شناسی، پدیده‌های اجتماعی مانند علل و عوامل تغییرت را در اجتماع توصیف می‌کند و بر اساس روندهای گذشته، در پی شناخت علت‌ها بر می‌آید؛ بنابراین رفتارهای آینده را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. در این صورت معلوم می‌شود این رفتارها با آن آینده اکتشافی متناسب است یا خیر؟ قاعدتاً اگر اکتشاف آینده متناسب با نیازها، فرهنگ و ارزش‌های جامعه باشد، رفتارها در آن مسیر پیش می‌رود. زیرا رفتارها بر اساس فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد.

با استفاده از یک چارچوب جامعه‌شناختی و دستیابی به برخی داده‌ها، می‌توان پویایی درونی یک تیم اجرایی را مورد مطالعه قرارداد، ممکن است این پویایی درونی، تیم را از ایجاد ظرفیتی برای پیش‌بینی جمعی آنچه باید اتفاق بیفتد باز دارد. تیم اجرایی ممکن است، نه تنها بهترین

1. fatalism

"جمع" برای ایجاد آینده‌نگری نباشد، بلکه آینده‌نگری را سرکوب کند یا به آینده‌ای، کمتر بهینه منجر شود، برای برون‌رفت از این مشکل، اعضا باید مهارت تحقیق را در سطحی توسعه دهند که پرسش از مقدمات اطلاعات جدید و دانش موجود را تسهیل کنند، بافت جمعی به گونه‌ای پیش برود که عملکرد به مسدود شدن پرسش و یادگیری منتهی نشود؛ بنابراین آینده‌نگری به دلیل ماهیت جمعی، مستلزم درک کنش‌های اجتماعی است. تعامل پویای پدیده‌های جمعی انسانی مانند؛ رهبری، قدرت، ارتباطات، نقش‌ها و ارزش‌ها می‌تواند، توانایی یک جمع را در ایجاد دانش و آینده‌نگری مفید تعیین کند. (Schwandt & Gorman, 2004)

البته رویکرد اکتشافی در جهت موفقیت می‌تواند، ترکیبی از دو اکتشاف تهورآمیز و غیر تهورآمیز باشد؛ در صورتی که آینده‌پژوهی بی‌توجه به نظریه‌ها و معرفت‌های پیشین در صدد کشف آینده باشد، چنین اقدامی تهورآمیز و یا جسارت‌آمیز بوده است، اما غیر تهورآمیز بودن به این است که آینده‌پژوهی، کاملاً منقطع و بریده از نظریه‌های جامعه‌شناختی، متمرکز بر ارزش‌های جامعه، نباشد، نظریه‌ها دارای ساختار منظم و مفاهیم دقیق، حاوی سرنخ‌ها و توصیه‌هایی هستند. استفاده آینده‌پژوهانه از این سرنخ‌ها موجب چالاک‌تر شدن آینده‌پژوهی در پیشرفت جوامع خواهد بود؛ بنابراین باید از معارف موجود و نظریه‌های قبلی، به‌عنوان پدیدارهای از پیش شناخته شده به‌عنوان کمربند محافظی برای پژوهش‌های بعدی، به نحو ایجابی و سلبی رهنمون‌هایی فراهم ساخت، تا پدیده‌های بدیعی را پیش‌بینی کرد. زیرا آینده‌پژوهی، برای موفقیت در تحول و توسعه، نیازمند این کمربند محافظ است. (چالمرز، ۱۳۸۱)

اکثر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی آینده بهتر، انسانی‌تر صلح‌آمیزتر، اخلاقی‌تر نوید می‌دهند. زیرا هر یک از نظریه‌های تحول و تغییر به پیشرفت انسانیت و بهبود زندگی فردی و جمعی انسان اعتقاد داشته‌اند؛ کنت، دوره اثباتی را مرحله برتری از تفکر و سازمان اجتماعی تلقی می‌کرد. اسپنسر تحول و تغییر اجتماعی را در سیر صعودی به سوی جامعه صنعتی مبتنی بر صنعتی شدن، لیبرالیسم را توجیه می‌کرد. مارکس و انگلس از فروپاشی اجتناب‌ناپذیر سرمایه‌داری به نفع جامعه بدون طبقه خبر دادند.

جامعه‌شناسی دینی در ادیان مختلف نیز به آینده مطلوب و وعده داده شده، حکایت دارد. چنان که در نظرات "ماکس وبر" اثرگذاری دین و ارزش‌های دینی در جامعه‌شناسی توسعه قابل مشاهده

است؛ بنابراین جامعه‌شناسان توسعه و آینده‌پژوهان اکتشافی در تعامل با هم مبنی بر ارزش‌های موردنظر جامعه می‌توانند آینده بهتری را رقم بزنند.

در جامعه‌شناسی مدل‌هایی برای پیش‌بینی روندها و رویدادهای مسیر منتهی به آینده وجود دارد یکی از این مدل‌ها، مدل «استیپ‌وی»^۱ است. بر اساس این مدل، ضمن گردآوری اطلاعات پیرامون روندها و رویدادها با توجه به گذشته و حال، سیر رویدادهای آتی را می‌توان پیش‌بینی کرد و پیامدهای آن را به‌عنوان تهدیدها و فرصت‌ها دسته‌بندی کرد. اصل رویکرد استیپ‌وی بر جامعه‌شناسی استوار است. زیرا همه تغییرات و تحولات در بستر جامعه شکل می‌گیرد. وظیفه اساسی رویکرد اکتشافی این است که روندها و رویدادهای مهم که احتمال وقوع آن‌ها در آینده وجود دارد را کشف و شناسایی کند. (میرخلیلی، ۱۳۹۱)

در چارچوب اکتشافی تلاش می‌شود تا با شناخت مهم‌ترین عدم قطعیت‌های کلیدی، درک کاملی از احتمالات و امکان‌پذیری‌های مختلف به دست بیاید. بدین منظور شناخت عدم قطعیت‌ها و ابهامات موجود در آینده با استفاده از چارچوب اکتشافی بهتر خواهد بود. گرچه از عوامل شناخته شده که از استمرار یا احتمال رخداد و عدم رخداد آن‌ها در آینده به‌طور قطع نمی‌توان سخن گفت، اما شناسایی و اکتشاف همین عوامل، تا حد بسیار زیادی حقایق، ماهیت، مختصات و آینده پدیده موردنظر را برای ما روشن می‌کند. (نقیب سادات و همکاران، ۱۴۰۰)

ایده‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با علل و عوامل توسعه و وجود تغییرات، در جهت اکتشافات آینده به آینده‌پژوه کمک می‌کند، و ندل و اولیک، به‌منظور تصدیق وضعیت هستی‌شناختی مختص به آینده، یک تمایز مفهومی، در جهت معرفت‌شناسی، آینده‌نگر پیشنهاد می‌کنند. پیش‌بینی‌های فرضی درست یا نادرست و پیش‌بینی‌های نهایی درست یا نادرست، اولی مربوط به پیش‌بینی‌هایی است که قبل از وقوع، ارزیابی می‌شوند، زمانی درست هستند که مفروضات و زمینه‌هایی که آنها بر آن ایستاده‌اند، در برابر انتقاد، به‌صورت جدی مقاومت کرده باشند، یعنی اعتقاد ما به آنها موجه باشد، یا مفروضات و زمینه‌ها در چنین آزمون‌هایی با شکست مواجه می‌شوند و پیش‌بینی به‌طور فرضی، نادرست است. (Wenbell, 1997)

اما پیش‌بینی‌های به‌طور نهایی درست یا نادرست، پس از واقعیت‌ارزیابی می‌شوند. آنهایی که در فرایندها به واقعیت فعلی تبدیل شده‌اند، درست هستند و در غیر این صورت، نادرست هستند. این تمایز امکان می‌دهد، تشخیص دهد که باور یک پیش‌بینی در زمان انجام آن موجه است، اما این پیش‌بینی ممکن است، کاملاً نادرست باشد. ممکن است شرایط تغییر کند. علاوه بر این، خود پیش‌بینی ممکن است شرایطی را تغییر دهد که بر شانس تحقق آن تأثیر گذارد. از این رو، آینده‌پژوهان را به قدرت پیشگویی‌های "خود تغییردهنده" معطوف می‌کند. (Wendell, 1997)

بنابراین، پژوهش‌های جامعه‌شناختی می‌تواند به ارزیابی نتایج اقدامات سیاسی و اجتماعی در عمل کمک کند. زیرا همان‌طور که گذشت، هر برنامه‌ای ممکن است، نتواند به آنچه طراحان آن در نظر داشته‌اند، برسد.

• کاربرد آینده‌پژوهی تصویرپرداز در جامعه‌شناسی توسعه

تصویرپردازی از روش‌های آینده‌پژوهی است که آینده را برای دیگران ترسیم می‌کند این روش بسیار شبیه روش آینده‌سازی است. ترسیم تصویری مطلوب یا نامطلوب از آینده‌ای که بر مبنای درک و نگرش آینده‌نگر در علم بشر یا سنن و علم الهی صورت می‌گیرد. (حمزه‌پور و میرک آبادی، ۱۳۸۱)

بی‌تردید هیچ‌کس مدعی نیست که تصویرها، تنها عامل تعیین‌کننده آینده هستند و آینده مطابق تجسم و تصور روی می‌دهد. صرف‌نظر از عواملی که فراتر از قدرت مهار بشر هستند و در تغییر شرایط تأثیر دارند، پیامدهای ناخواسته و غیرمنتظره فراوانی نیز وجود دارند که از اقدام‌های خود بشر سرچشمه می‌گیرند. با این حال، آینده‌پژوهان بر این باورند که تصویرهای آینده در هدایت رفتار بشر، عامل مهم بشمار می‌آیند. این تصویرها با هدایت رفتار بشر در شکل‌گیری آینده پیش رو نقش دارند. اقدام هدفمند نیازمند پیش‌بینی رویدادهای آتی است. (حمزه‌پور و میرک آبادی، ۱۳۸۱)

آینده‌پژوهان، از واقعیت‌هایی که اتفاق افتاده استفاده کرده و آن را به آینده‌نگری تبدیل می‌کنند. برای این کار با توجه به ردنشدن الگوهای استدلالی و مرکب از شواهد، در ساختن دانش معتبر و مورد

اطمینان و جایگزین، تلاش می‌کنند، تا الگوی موردنظر خود را به یک باور موجه تصویرسازی کنند و دانش جایگزین را با اطمینان و اعتبار به تصویر بکشند. (Wenbell, 1997)

اگر برای آینده، تصویری ترسیم می‌شود، مهم‌ترین منافعش این است که توجه پیدا کند، در زمان حال چه باید انجام دهیم. هدف آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده محتوم یا آینده‌ای برنامه‌ریزی شده نیست؛ بلکه هدف روشن کردن مسیر حرکت‌ها و اقدام‌های کنونی در پرتو تصویر آینده ممکن است. (مردوخی، ۱۳۹۵)

رویکرد تصویرپرداز با بهره‌گیری از یافته‌های علمی جامعه‌شناسی توسعه، در رابطه با پیشرفت جوامع می‌تواند، نگاه راهبردی به آینده پیدا کند. آینده‌نگاری راهبردی از غافلگیری در هنگام مواجهه با اتفاقات ناگهانی و دور از انتظار ممانعت می‌کند و با فروریختن ترسیم آینده واحد، آینده‌های بدیل را جایگزین می‌کند. همچنین به منعطف سازی برنامه‌ها برای کاهش عدم قطعیت آنها کمک می‌کند. تصویرسازی مزیت نسبی رقابتی، موجب افزایش جذابیت و کیفیت، کاهش هزینه و توانایی عرضه ارزش و خدمات بهتر نسبت با رقبای، می‌شود. (قلی‌پور و محمدی، ۱۳۹۸)

عامل کلیدی که سطح دید اجتماعی لازم برای پیش‌بینی توسعه آینده یک فرهنگ را تعیین می‌کند، ماهیت و وضوح اهداف ایدئولوژیک است که در رابطه با آنها گفتمان‌های فرهنگی جدید تولید می‌شود؛ بنابراین مهم است که بفهمد رهبران و فعالان فکری آن چگونه مسائلی را که با آن روبرو هستند، درک و حل می‌کنند. در راستای دیدگاه اجتماعی و اهداف روشن که در رابطه با آنها ایده‌ها تولید می‌شوند، می‌توان به طور منطقی تخمین زد که چه نوع گفتمان‌های دینی به احتمال زیاد توسعه خواهد یافت. (Moaddel, 2004)

بنابراین، آینده‌پژوهی، ارتباطی دوسویه با جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد، توجه به آینده و آثار آن در زندگی انسان، از مهم‌ترین مباحثی است که حس کنجکاوی انسان را بر می‌انگیزد. همچنین شناسایی جایگاه ارزش‌ها و نیازهای جامعه در آینده یک کشور، ضرورت آینده‌پژوهی را نشان می‌دهد و رابطه تعاملی آینده‌پژوهی با جامعه‌شناسی توسعه، اثربخشی آینده‌پژوهی در خدمت به جامعه را بیشتر می‌کند. هر چند موضوع مورد مطالعه در علوم انسانی با رشته‌های علوم تجربی و طبیعی متفاوت است و مطالعه در علوم انسانی عمدتاً فرا آزمایشگاهی است و تحول در این حوزه به دلیل نقش فعال انسان، زیادتر است؛ اما موضوعات مختلف برای

جامعه‌شناختی توسعه در حوزه فرهنگ، برای آینده‌پژوهی و تحقق جامعه مطلوب، مانند: شیوه‌های آموزشی، دسترسی به امکانات آموزشی، میزان سرمایه‌گذاری، نیازهای اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات عوامل مهم تحول در حوزه فرهنگی هستند. (واعظی و همکاران، ۱۳۹۶)

در جوامع اسلامی، تصویرسازی آینده با وجود حجیت حکم عقل و درک حسن و قبح به‌وسیله عقل، از نگاه دینی و به‌ویژه در مذهب شیعه، می‌توان به استناد حکم عقل دلیل بسیاری از محرمات و واجبات را ثابت کرد؛ بنابراین در بسیاری از موضوعات که مشمول حکم شرع نیستند، عقلانیت ضامن ثبات در جامعه است، براین اساس، جامعه‌شناسی با شناخت از عقلانیت و پیامدهای افراط و تفریط در جوامع اسلامی به آینده‌پژوهی کمک می‌کند تا با تصویرسازی عقلانی گزینه‌های مختلف در آینده، در جهت تشویق به آینده‌نگری عقلانی، پیامدهای مخرب افراط و تفریط را نیز مجسم کند. (نجف‌زاده، ۱۳۹۶)

مدینه فاضله نوع خاصی از آینده‌پژوهی تصویرپرداز بوده است و همچنین ادیان مختلف به تصویرپردازی پرداخته‌اند که در اسلام نیز مهدویت، تصویری از آرمان‌شهر اسلامی است. وظیفه رویکرد تصویرپرداز، خلق آینده از طریق ایجاد ایده‌های نو و الهام‌بخش است. تصویرپردازی درباره آینده به‌منظور خروج از وضع موجود و نیل به وضع مطلوب است. آرمان‌شهر پردازی افلاطون با نام جمهوری سپس توماس مور با عنوان یوتوپیا و فرانسیس بیکن، آتلانتیس نو، حکایت از آن دارد، تمدن رو به تکامل است. طرح آرمان‌شهرها موجب ایجاد انگیزه برای جوامع بوده است. (میرخلیلی، ۱۳۹۱)

جامعه‌شناسی رفتارها و اتفاقات گذشته و مؤثر بر زمان حال را توصیف و تبیین می‌کند، تا اقدام برای رسیدن به آن تصویر در آینده صوت گیرد. جامعه‌شناس توسعه می‌تواند به عقب برگردد و رخدادها را مطالعه کند وقتی علت و عوامل شناسایی شوند، پیش‌بینی آینده نیز بهتر خواهد بود. چنین سیری به ما می‌آموزد آنچه پیش‌تر رخ داده چگونه می‌تواند بر آینده تأثیر بگذارد. فرآیند مشغول‌شدن به آینده این امکان را می‌دهد که افق دید خود را وسیع‌تر کند. (واتسون و فریمن، ۱۳۹۵)

در اینجا نقش جامعه‌شناسی توسعه بسیار مهم است، زیرا پیشنهاد اقدام عملی از جانب آینده‌پژوهان تصویرپرداز، ممکن است در زندگی مردم، پیامدهایی داشته باشد. یعنی زندگی

مردم، بهتر یا حتی به وضعی بدتر تغییر کند؛ اما پژوهش‌های علمی جامعه‌شناسان به کم‌شدن اتفاقات بد کمک می‌کند. یعنی شناسایی رفتارهای متناسب در جهت تصویر آینده مطلوب برای جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. برای رسیدن به وضعیت مطلوب هیچ فرمول قطعی وجود ندارد. منابع مالی به‌تنهایی کافی نیستند، تقویت پندارهای خوب و در مقابل طرد ایده‌های بد، برای تغییر جامعه به وضعیت خوب، بسیار مهم است. تعلیم و تربیت وسیله افزایش توانایی خلاق و الهام‌بخش پیشرفت است. (جرالد، ۱۳۸۲)

همان‌طور که گذشت، جامعه‌شناسی نوعی آگاهی به ما می‌دهد، یعنی کمک می‌کند تا به فهم هر چه بیشتر خویش، تجهیز شود. هر چه درباره چرایی اعمالی که انجام می‌دهد و در باره عملکردهای کلی جامعه بیشتر بداند به احتمال زیاد می‌تواند بر آینده خود تأثیر بگذارد. زیرا راهبرد موفق برای رسیدن به وضع مطلوب بدون استفاده از توانمندی مردم امکان‌پذیر نیست. باید مردم را درگیر اقدام کرد؛ بنابراین کار جامعه‌شناسی توسعه، خلق ایده است تا در جامعه، از راه تعلیم و تربیت، نهادینه شود و به‌صورت پندارهایی مناسب در ذهن و عمل افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها پدیدار شود. بدین طریق مسیر حرکت به سمت تصویر موردنظر هموار می‌شود. (جرالد، ۱۳۸۲)

• کاربرد آینده‌پژوهی تجویزی در جامعه‌شناسی توسعه

آینده‌پژوهی با حدس و گمان عاقلانه و منظم، به‌عنوان یک روش علمی دقیق پرورش می‌یابد. این کار از طریق توجه و شناخت مجدد به دست می‌آید. جوهر حدس و گمان موفق، دستیابی است. می‌توان فرصت‌های جدیدی ایجاد کرد که تا به حال تصور نشده و یا برای یک جامعه در دسترس نبوده است. نیاز به ادامه بقا ایجاب می‌کند، به تجزیه و تحلیل شرایط کنونی، پیش‌بینی تداوم و تغییرات احتمالی در آینده، و سپس حدس و گمان در مورد اینکه چنین تغییراتی در آینده ممکن است برای ما باشد، پرداخت؛ بنابراین آینده‌پژوهی یک عامل اساسی در موفقیت بشر است. با پیش‌بینی‌پذیری می‌توان، هنجارها را توسعه داد. (Chia, 2004)

در پارادایم تجویزی، خواست و نقش نیروی انسانی اهمیت بسیار دارد. انسان با آینده‌های ممکن، محتمل و آینده‌های باورکردنی روبروست که رسیدن به هر کدام از آن‌ها به سطح و کیفیت

خواستار انسان یعنی آینده مطلوب وی بستگی دارد. در این نگاه جبرگرایی پنهان وجود ندارد. بلکه انسان کاملاً مختار است. مسیر زندگی خود را خود انتخاب کند. (نعیمی، ۱۳۹۶)

همچنین پروژه‌های آینده‌پژوهی، نیازمند تمهیدات خاص اجتماعی و فرهنگی است. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و توانایی در فرهنگ‌سازی اجتماعی، ضروری هستند. پروژه‌های آینده‌پژوهی زمانی از اثربخشی و کارایی مناسب برخوردار می‌شوند که ایمان به تحقق آن‌ها در جامعه ایجاد شود. در این صورت، فعالیت آینده‌پژوهانه اثربخش شده و به تجویزهایی کارآمد ختم می‌شود. (عیوضی و محمدی، ۱۳۹۰)

بنابراین، آینده‌پژوهی وسیله‌ای برای ارتقای جامعه خواهد بود. آینده‌پژوهی تجویزی با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه، بر فرهنگی کردن، نگاه به آینده مؤثر خواهد بود. همگرا کردن فعالیت‌های آینده‌نگری و ارتقای فرهنگ آینده‌نگری در جامعه، برای ارتقای فرهنگ آینده‌نگری در جامعه، به آنها نیاز است. (گواهی و بابایی و سلیمی، ۱۳۹۶)

این پارادایم سه سؤال اساسی در اختیار می‌گذارد: «وقوع کدام آینده‌ها محتمل است؟»، «آینده‌های مطلوب ما کدامند؟»، «کدام آینده‌ها امکان وقوع می‌یابند؟» از آنجا که آینده مطلوب انعکاسی از ارزش‌های مطلوب جامعه است. پس باید روش‌هایی را طراحی کرد و بکار گرفت که به تحقق آینده مطلوب منجر شوند. ظهور پارادایم تجویزی، دسته‌ای تازه از پیش‌بینی‌ها را در پی آورد که آن‌ها را با عنوان «پیش‌بینی‌های هنجاری»^۱ یا تجویزی می‌شناسیم. (ناظمی‌اشنی و قدیری، ۱۳۸۵)

روش تجویزی یا هنجاری، برخلاف روش‌های اکتشافی که از زمان حال شروع شده و رو به سوی آینده دارند، و به اصطلاح رو به بیرون دارند و تلاش دارند که تحت شرایط مختلف کشف کنند که کدام آینده رخ می‌دهد؛ اما روش‌های تجویزی و هنجاری رو به درون دارند این روش‌ها از یک موقعیت مطلوب در زمان آینده شروع کرده و به زمان حال می‌رسند و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب را بررسی می‌کنند. در واقع نقطه شروع این روش‌ها نقطه‌ای زمانی در آینده است. (ناظمی‌اشنی و قدیری، ۱۳۸۵)

1. normative forecasting

رویکرد هنجاری بیشتر به جهت انرژی درونی که دارد، استفاده می‌شود. این انرژی مبتنی بر ارزش‌های فرد، جامعه یا سازمان است، باهدف ایجاد تغییرات بنیادین در وضع موجود و تلاش برای خلق آینده بزرگ همراه است. رویکرد تجویزی، با پس‌بینی فرد و جامعه را برای آینده تربیت می‌کند. در رویکرد اکتشافی پیش‌بینی^۱ حاکم بود؛ اما در رویکرد هنجاری پس‌بینی^۲ بر آن حاکم است. (میرخلیلی، ۱۳۸۸)

آینده به جهت تغییرات و پیشرفت تکنولوژی، برای خیلی‌ها از جمله کسانی که آینده‌پژوهی ندارند، مخاطرات بیشتری به همراه دارد؛ اما رویکرد تجویزی می‌تواند از وجود شوک در آینده به جهت تغییرات برای انسان ایمنی ایجاد کند، جامعه‌شناسی توسعه نشان داده است که چگونه فشارهای اجتماعی از نامتوازن بودن آهنگ تغییر در بخش‌های متفاوت جامعه ناشی می‌شود؛ بنابراین نه تنها باید بین آهنگ تغییر در بخش‌های گوناگون توازن و تعادل برقرار شود، بلکه باید بین آهنگ تغییر محیط و آهنگ محدود واکنش انسان نیز این توازن و تعادل موجود باشد. با توجه به رویکرد تجویزی، می‌توان از «آموزش برای تغییر» یا از «آماده کردن مردم برای آینده» سخن به میان آورد. (تافلر، ۱۹۲۷)

رویکرد تجویزی این امکان را می‌دهد تا افراد از تغییر شکوفاتر شوند. در غیر این صورت، باید به‌مانند، یک مسافر ناآماده و سرگردان، در یک فرهنگ بیگانه، واقعیت‌طور دیگری برایش جلوه کند و نتواند با جامعه کنار بیاید. هرچند شوک فرهنگی در مقایسه با شوک آینده‌چندان شدید به حساب نمی‌آید. اما شوک آینده نوعی سرگشتگی و حیرانی به همراه دارد که از فرارسیدن نابهنگام آینده ایجاد می‌شود. (تافلر، ۱۹۲۷)

از مطالعات جامعه‌شناسان، چنین بر می‌آید، اگر برای مقابله با شوک آینده اقدامات حساب شده‌ای انجام نگیرد، افراد زیادی قادر نخواهند شد با محیط زندگی خود به شکل عقلانی مواجه شوند. در آن صورت ناراحتی و عصبیت‌های جمعی، نابخردی و خشونت بی‌حد و حصر به منزله پیش‌درآمد آن چیزهایی خواهد بود که در آینده نهفته است. شوک آینده از قرار گرفتن یک فرهنگ جدید بر روی فرهنگ قدیم پدید می‌آید؛ اما آثار و عواقبش بسیار وحشتناک است. اگر

1. for cast
2. Back cast

شخص از تکیه‌گاه درستی به‌رمند نباشد و نتواند در محیط جدید عاقلانه رفتار کند، چه بسا خود و بسیاری دیگر را به نیستی بکشاند. (تافلر، ۱۹۲۷)

باتوجه به مطالعات مذکور رویکرد تجویزی می‌تواند شرائط را طوری تجویز و تعلیم کند، نه تنها از ناسامانی در آینده در امان بود، بلکه آینده به سود جامعه رقم بخورد.

اما در بسیاری از جامعه‌شناسی‌های ملی کنونی، توجه به آینده مورد اغفال قرار گرفته است. شاید این عدم توجه به خاطر این باشد که ما نباید خود را درگیر آینده کنیم، چون آینده در دسترس نیست و سخن گفتن در مورد آن بیهوده به نظر برسد. اما این طرز تلقی برخلاف آن چه است که در زندگی روزمره با آن مواجه هست. زندگی خود را مبتنی بر مفروضات زیادی درباره آینده می‌کند. اینکه چیزی را در آینده ممکن یا غیرممکن، محتمل یا نامحتمل، مطلوب یا نامطلوب بینگارد، نتایجی متفاوت دارد. چشم داشت و انتظار و آرزو، برنامه‌ریزی و پیش‌نگری، همگی جنبه‌های ذاتی کنش انسانی آینده مدار است. فهم رابطه کنش‌ها و تبیین آن‌ها در حیطه شناخت جامعه‌شناس است. (شولز، ۲۰۱۵)

جامعه‌ای که در مسیر آینده مطلوب موردنظر باشد نیاز به محاسبه دارد. جامعه‌ای که فاقد تربیت محاسبه‌گرایانه است، سرگردان خواهد بود و نباید انتظار داشت به آینده مطلوب برسد. جامعه محاسبه‌گرا در کنار عقیده و آرمان و ارزش‌های خود مسیر را می‌پیماید. چنین جامعه‌ای نیازمند، تربیت و نظارت و آموزش است، هدایت و پشتکار می‌خواهد. (سریع‌القلم، ۱۳۸۲)

محاسبه‌گرایی در جامعه‌ای محقق می‌شود که تحقیق علمی پژوهشگران اجتماعی بسیار موردتوجه باشد، یعنی پیشرفت یک جامعه تابع تربیت انسان‌هایی است که به‌صورت علمی و ارزشی محاسبه‌گر باشند و این هنر و ارزش را در ترکیب و تبدیل محقق سازند. منظور از این نوع تربیت، نظام ساخت و پرداخت، تبدیل مواد خام به محصول و تولید است. تولید ضرورتاً به کالا محدود نمی‌شود. بلکه ابداع روش‌های بدیع برای حل مشکلات جامعه نیز از مشتقات تولید در جامعه است. (سریع‌القلم، ۱۳۸۲)

تولید علم همواره از دغدغه‌های رهبر انقلاب بوده است. هنر ترکیب و تبدیل و زیربنای فرهنگی وسیله‌ای برای آماده‌شدن جامعه، به‌سوی مدینه فاضله، یا حرکت در جهت آینده مطلوب

و افق مورد نظر هستند. جامعه ما یک جامعه دینی است. باید ببینید به چه سمتی حرکت صورت می‌گیرد، این امر نیازمند تلاشی جامعه‌شناختی است. جامعه‌ای که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و دینی است. همان‌طور که قبلاً گذشت، رفتارهای دینی و کارکرد دین محاسبه‌پذیر است. دین قادر است، وجدان جمعی به وجود آورد و آن را تقویت کند. از طرفی جامعه‌شناسی دینی کشف می‌کند که مسئولیت اجتماعی چگونه محقق می‌شود، همکاری جمعی چگونه برای حرکت در مسیر افق مورد نظر اتفاق می‌افتد؟ به تعبیر دیگر دلایل همگرایی جامعه چه چیزهایی هستند تا مورد تأکید واقع شوند و دلایل واگرایی و دورشدن از مسیر چه چیزهایی هستند تا از آن پرهیز شود.

یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده رسیدن به پیشرفت، در یک جامعه، تربیت برای یک نوع نگرش و وجدان جمعی جامعه‌شناختی است. افراد مستقل از اینکه چه حرفه‌ای داشته باشند باید به مجموعه فرهنگی و فکری و ارزش‌های بافت اجتماعی آن مفتخر باشند و در حفظ آن بکوشند، در تصحیح آن قدم بردارند و مانع از تخریب آن شوند این امر به آموزش نیاز دارد. (سریع‌القلم، ۱۳۸۲)

وقتی آینده‌پژوه از آینده حرکت می‌کند و به زمان حال می‌رسد، زمان حال را با آینده مطلوب ناسازگار می‌بیند، در این جا به همکاری جامعه‌شناس نیاز دارد تا در یک ارتباط دوطرفه به سالم‌سازی امور در جهت نیل به هدف پرداخته شود. علت و العلیل‌ها و تبیین‌های علمی توسط جامعه‌شناس در ظهور و بروز پدیده‌های اجتماعی، در پرتو پژوهش علمی تشخیص داده می‌شود؛ اما برای ارائه و تجویز راه‌حل به آینده‌پژوه نیاز است؛ بنابراین آینده‌پژوهی در حکم ابزار در دست جامعه‌شناسی توسعه برای رسیدن به هدف که همان جامعه مطلوب است، عمل می‌کند.

جامعه‌شناس همواره با شناخت نیروهای فعال جامعه، نقاط قوت و ضعف جامعه را شناسایی می‌کند. با پژوهش علمی، عامل‌های رفتاری در جهت هماهنگی و وفاق آن‌ها برای رسیدن به آینده مطلوب، توصیف و تبیین می‌کند. مثلاً اگر مسئولیت‌پذیری کم هست و یا در جامعه‌نگرانی نسبت به بی‌اخلاقی وجود دارد، و در مقابل، رسیدن به آینده مطلوب، در گرو جامعه سالم و اخلاقی است. اینجاست که پای جامعه‌شناس به میان می‌آید، تا راه برون‌رفت از ناهنجاری را کشف کند یا به عبارت دیگر ریشه‌های ناهنجاری پیدا شود و آینده‌پژوه با تجویز آینده مطلوب و با یافتن راه‌حل مناسب، منشأ هدایت جامعه خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که گذشت، جامعه‌شناسی توسعه، پیشینه‌ای داشته است و در مسیر خود، دارای رشد و تکامل بوده است؛ ولی به شکل منطقی با آینده‌پژوهی پیوند نخورده است؛ اما شکل‌گیری آینده‌پژوهی در روش‌های مختلف ظرفیت‌هایی ایجاد کرده است که می‌تواند، در جهت پیش‌بینی با ظرفیت جامعه‌شناسی ترکیب شود. به عبارت دیگر جامعه‌شناسی توسعه، در ارتباط با هریک از رویکردهای موردنظر، چه از نگاه سنتی به پیش‌بینی و به صورت اکتشافی و چه بر اساس تصویرپردازی و به نوعی آینده‌سازی و چه بر اساس رویکرد تجویزی یا پس‌نگری، با توصیف علت و عوامل پدیده‌های اجتماعی در ارتباط با روندهای گذشته، رفتارهای آینده را پیش‌بینی پذیرتر می‌کند. با تصویرپردازی از آینده و برگشت به عقب اتفاقات به وجود آمده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. زیرا امروز از گذشته متأثر است و از این طریق با آینده ارتباط برقرار می‌کند. پژوهش‌های علمی جامعه‌شناسی در ارتباط با تصویر موردنظر از آینده به کم‌شدن اتفاقات بد و نزدیک شدن به آینده مطلوب متصور، کمک می‌کند.

اگرچه در همه رویکردها نیروی انسانی مهم هست. اما در آینده‌پژوهی تجویزی بیشتر بر نیروی انسانی تأکید شده است. احتمالاً در آینده‌پژوهی تجویزی، ارتباط میان آینده و حال بیشتر باشد، زیرا آینده‌های ممکن و محتمل و مطلوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد که رفتارهای متناسب با آن‌ها تجویز می‌شود. رویکرد تجویزی، فرد و جامعه را فرصت‌ساز با نگاه به آینده می‌خواهد. از طرفی تمام علل و عوامل پیشرفت‌ها و کاستی‌ها نیازمند تحقیق و پژوهش جامعه‌شناسانه است.

تلاش برای رسیدن به وضع بهتر از دغدغه‌های جامعه‌شناسان بوده است. از طرف دیگر کشف آینده، تصویر آینده، و آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب به عنوان تکنیک‌های خاصی در اختیار آینده‌پژوهی هستند و جامعه‌شناسی توسعه از آن‌ها استفاده خواهد کرد؛ بنابراین موفقیت جامعه‌شناسی و آینده‌پژوهی در رسیدن به وضع مطلوب و ساختن آینده در ارتباط با هم تعریف می‌شود.

فهرست منابع

- احمدیان، قدرت. (۱۳۹۶). نقد پایان توسعه؛ پساتوسعه گرایی و بن بست‌های پارادایم توسعه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره هشتم، صص ۲۷-۴۵-۴۷
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان، صص ۱۳۴-۱۳۳
- اسدی، علی. (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی توسعه، فصلنامه علمی-پژوهشی، فرایند مدیریت توسعه، دوره ۴ شماره یک مؤسسه آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری) صص ۶۸-۵۱
- تافلر، الوین. (۱۹۲۷). شوک آینده، ترجمه، حشمت الله کامرانی، تهران: سیمرغ
- جرالد، میر. (۱۳۸۲). پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم انداز/ ترجمه: غلامرضا آزاد (ارمکی) تهران: نی، صص ۲۱-۲۵
- چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۱). چستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه، سعید زیباکلام، چ سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۵۰-۵۱
- حسین، میرخلیلی. (۱۳۹۳). کاربرد آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی؛ پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- حمزه‌پور، علی؛ زارع میرک آباد، علی. (۱۳۹۲). بررسی مبانی معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی بررسی تأثیرات آن بر روش‌های آینده‌پژوهی؛ تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)
- حیدری، زهرا. (۱۳۹۷). تاریخچه‌ای از تحقیقات آینده‌پژوهی، نشریه فیوچر، به نقل از <http://iranianfuturist.com>
- ریتزر، جرج. (۱۳۹۴). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن؛ ترجمه: شهناز مسمی‌پرست، چاپ سوم، تهران: ثالث،
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۲). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران مرکز پژوهش‌های علمی مطالعات استراتژیک خاورمیانه، صص ۲۵۶-۲۵۷
- شولز، مارکوس. (۲۰۱۵). آینده‌ای که خواهان آنیم: جامعه‌شناسی جهانی و کوشش برای جهانی بهتر، مجله گفت‌وگوی جهانی، سال پنجم، شماره دوم، <http://isa-global-dialogue.net>
- عظیمی، محمدحسن؛ فدایی عراق، غلامرضا؛ کوکی، مرتضی؛ و پور عزت، علی‌اصغر (۱۳۹۵). جستاری در رویکرد مطلوب آینده‌پژوهی فناوری اطلاعات در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱۸، صفحات ۱-۱۸
- عیوضی، محمد رحیم؛ پدرام، عبدالرحیم. (۱۳۹۰). نقش آینده‌پژوهان در شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی، نشریه انتظار موعود، شماره ۳۶ صفحات ۲۵-۴۲
- قلی‌پور، پروانه؛ مظفری، محمدمهدی. (۱۳۹۸). طراحی مدل آینده‌نگاری راهبردی جهت توسعه اقتصادی و کسب مزیت رقابتی در بنگاه‌های کوچک و متوسط ایرانی، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال چهارم، شماره دوم. صفحات ۲۵-۵۴

- گواهی، عبدالرحیم؛ بابایی، نصیر مینا؛ سلیمی، جلیل. (۱۳۹۶). آینده‌نگاری در ایران و چند کشور منتخب، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره ۱. صفحات ۱-۲۶
- گیدنز، آنتونی و همکاران. (۱۳۹۶). گزیده جامعه‌شناسی، ترجمه، حسن چاوشیان، چاپ نهم، تهران: نی، صص ۱۵-۱۶
- مردوخی، بایزید. (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی توسعه و آینده‌پژوهی، فصلنامه توسعه و آینده‌پژوهی، سال اول، شماره اول، صفحات ۱-۵۵
- ناظمی‌اشنی، امیر؛ قدیری، روح اله. (۱۳۸۵). آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، تهران: فر اندیش، نجف‌زاده، رضا. (۱۳۹۶). عقلانیت‌های سه‌گانه و خلق آینده‌بدیل مطلوب برای تمدن اسلامی، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره سوم. صفحات ۴۳-۶۶
- نعیمی، علی. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر و استراتژی‌های فناوری اطلاعات در توسعه با رویکرد آینده‌پژوهی منطقه‌ای؛ فصلنامه توسعه و آینده‌پژوهی، سال دوم شماره ۲، صفحات ۱-۶۹
- نقیب‌از سادات، سید رضا؛ کیا، علی‌اصغر؛ افخمی، حسین؛ وصالی، لیلیا. (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی سواد رسانه‌ای در ایران با روش برنامه‌ریزی سناریویی، دوفصلنامه علمی‌پژوهی ایران، دوره ۶، شماره ۲، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) صفحات ۲۹-۵۲
- واتسون، ریچارد؛ فریمن، اولیور. (۱۳۹۵). چشم‌انداز آینده، سناریوهایی برای سال ۲۰۴۰، مترجمان: نازیلا عاکفیان، هدایت امیری، محمد متقی، تهران: زیتون سبز، صص ۲۷-۲۵
- واعظی، سید کمال؛ قمیان، محمدمهدی؛ وقفی، سید حسام. (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی در علوم انسانی با رویکرد دانش؛ ملاحظات، دستاوردها و اثرات، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۳، صفحات ۳۱-۴۶
- ی. سو، آلوین. (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی و توسعه، مروری بر نظریات نوسازی و وابستگی و نظام جهانی، ترجمه: محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،

- Chia, Robert(2004), Re-educating Attention: what is Foresight and How is it Cultivated? In (Managing the Future: Foresight in the Knowledge Economy, Edited by Haridimos Tsoukas and Jill shepherd) USA: Blackwell publishing.
- Schwandt , David R., Gorman, Margaret(2004), Foresight or Foreseeing? A social Action Explanation of Complex Collective Knowing in (Managing the Future: Foresight in the Knowledge Economy, Edited by Haridimos Tsoukas and Jill shepherd) Blackwell publishing USA .
- Wendell Bell (1997), Foundations of Futures Studies History, Purposes, and Knowledge Human Science for a New Era, Volume 1, New Brunswick (U.S.A) and London (U.K.)
- Moaddel, Mansoor (2004), The future of Islam after 9/11, Futures 36, Department of Sociology, Anthropology and Criminology, Eastern Michigan University

